

پیشگفتار

نامه یعقوب رسول

نبوده است. بالاخره در نامه یعقوب، تشریح نظریات عقیدتی، به نظر آنچه در نامه های پولس یا یوحنا آمده و موجب جذابیت و همچنین دشواریهای آنها شده است وجود ندارد و فقط شامل یک رشته آموزشهای اخلاقی است که گاهی متعارف و معمولی هستند و به هر صورت از اصول اخلاقی یهودیان یونانی گرای آن دوران گرفته شده است.

چند مسئله

با این همه ورای این وضوح ظاهری، مسئله های دشواری پنهان شده است و بطوری که از احادیث و روایات دورانهای بعدی برمی آید کلیسای این مسائل را درک کرده و بدین سبب تردید داشتند نامه یعقوب را به همان اهمیت نامه های پولس بپذیرند در حالی که نخستین نامه پطرس و نخستین نامه یوحنا از قرن دوم میلادی بعنوان نوشته برحق پذیرفته شده بود، نامه یعقوب تدریجاً و از اوایل قرن سوم میلادی جزو نوشته های عهد جدید منظور گردید و فقط در پایان قرن چهارم میلادی، پس از مذاکرات و مباحثه های طولانی در کلیسای غربی بعنوان نوشته برحق پذیرفته شد. در صورتی که کلیسای شرقی قبلاً و به اتفاق آراء آن را پذیرفته بودند. می دانیم که لوثر بحث درباره این نامه را مجدداً مطرح کرده بود، زیرا

نامه یعقوب در نظر اول نکته مرموزی ندارد زیرا با عبارات مکاتبه ای آغاز می شود که در آنها نویسنده نام خود را ذکر کرده و نشان می دهد که فرد مسیحی نسبتاً مهمی است. این نامه به زبان یونانی فصیحی نگاشته شده است، مطالب کوتاهی در فصلهای ۲ و ۳ به روش «هجایی» ذکر شده که اکثراً فلاسفه عامی بکار می بردند و نویسنده موقعی که از کتاب مقدس نقل می نماید، نه از متن عبری بلکه از ترجمه یونانی (هفتادتنان) است. همه این نشانه ها دلیل بر آن است که این نامه از منبع یهودیانی است که در دنیای یونانی زبان پراکنده بوده و به زبان یونانی سخن می گفتند و آنان را «یهودیان یونانی گرا» می خوانیم. در فصل ۲ نامه بحث و مشاجره پرشوری آمده (بندهای ۱۴-۲۶) و در مخالفت با تعبیر نابجای نظریات پولس است که گفته بود نجات به وسیله ایمان و بدون توجه به اعمال است. بدین سبب به اطمینان می توان گفت که نامه مدتی پس از اواسط قرن اول میلادی نگارش یافته، در دورانی که هم زمان با موفقیت های بزرگ پولس در اجرای مأموریت رسالت بوده است. از سوی دیگر، در این نامه هیچ گونه اشاره ای به وضعیت سیاسی نشده و از معبد اورشلیم ذکری به میان نیامده است، بنابراین نگارش نامه هم زمان با شورش یهودیان (سالهای ۶۶-۷۰ میلادی) و ده سال بعد از آن

نگارش با قواعد نویسندگی یونانی گرایان چندان تطبیق نمی‌کند؛ ضمناً از تشابهی که با کتاب بن سیراخ وجود دارد می‌توان استنباط کرد که تماسهایی با کتابهای حکمت یهودیان وجود داشته است بالاخره اهمیتی که به موضوع‌های پایان روزگار و مخصوصاً دآوری نهایی داده شده است (۲:۱۲-۱۳؛ ۴:۱۲؛ ۵:۹-۱۲) افکار و عقاید یهودیان فلسطینی و آموزشهای عیسی را به یاد می‌آورد. بنابراین ممکن است یعقوب، برادر خداوند، اثر خود را بر این نامه گذاشته باشد، بعضی از مفسران تصور می‌کنند که منشی یونانی زبانی را مأمور کرده است تا این نامه را بر طبق آموزشهای او و به نام او بنویسد، مفسران دیگری معتقدند که بیشتر محتمل است احادیثی از سخنان یعقوب، نظیر احادیث انجیلیهای نظیر، البته به مقیاس کوچکتری وجود داشته و نویسنده‌ای بر طبق مرسوم نویسندگی آن دوران خواسته است اثر خود را به نام شخصیت معروفی نوشته باشد. در این صورت تاریخ نگارش نامه بین سالهای ۸۰ الی ۹۰ میلادی خواهد بود.

مفسران جدید به نکته دیگری در نامه یعقوب توجه کرده‌اند: نامه به «دوازده قبیله‌ای که در پراکندگی هستند» خطاب شده و اگر به مفهوم تحت اللفظی این عنوان گرفته شود، خطاب به یهودیان است و ضمناً فقط دو بار نام عیسی مسیح ذکر شده است. (۱:۱، ۱:۲) و این تذکرها به اندازه‌ای مختصر و گذرا هستند که بعضی از منتقدان فکر می‌کنند بعداً به نامه اضافه شده تا یک نوشته کاملاً یهودی را به صورت مسیحی درآورند. البته این فرضیه را نمی‌توان پذیرفت زیرا در بندهای ۲:۱۴-۲۶ بحث درباره نظریات پولس است و بنابراین مربوط به دوران متأخر

به نظر او جنبه «رسالتی» این نامه اندک بود، تا به جایی که گاهی آن را نوشته‌ای یهودی می‌دانست که بایستی از نوشته‌های برحق به کنار گذاشته شود. با اینکه از نظریه او پیروی نشد، اشکالی که در پذیرش نامه یعقوب در طی قرن‌ها وجود داشته قابل توجه است: زیرا این اثر خارج از جریانهای بزرگ خداشناسی مسیحیت قرن اول میلادی قرار دارد.

انتساب نامه به یعقوب، برادر خداوند هم مسئله‌ای ایجاد می‌کند، حتی اگر این یعقوب را غیر از یعقوب پسر حلفای که یکی از دوازده رسول بوده است بدانیم (ر.ک مر ۳:۱۸ و موارد مشابه در انجیلیهای دیگر). به طوری که از مفاد نامه بر می‌آید نویسنده نامه شخصیت مهمی در کلیسای اورشلیم (ر.ک غلا ۱:۱۹؛ ۲:۹؛ اع ۱۲:۱۷؛ ۱۵:۱۳-۲۱؛ ۲۱:۱۸-۲۵) یک فرد فلسطینی تمام عیار است که با فرهنگ یونانی آشنا نیست (ر.ک مخصوصاً اوزبیوس تاریخ مذهبی جلد ۲، ۲۳:۴-۱۸). اکنون چگونه می‌توان تصور کرد که اثری بنویسد که به این اندازه یونانی است؟ بنابراین اگر انتساب نامه را به یعقوب به معنی تحت اللفظی کلمه بگیریم ظاهراً صحیح نیست ولی این انتساب به اندازه‌ای قدیمی و مورد قبول عموم بوده که نمی‌توان آن را انکار کرد؛ ضمناً باید توجه نمود که در نامه یعقوب همه چیز جنبه یونانی ندارد: مثلاً در بین کلمات و ترکیب عبارات آثاری از کلمات و اصطلاحات زبان سامی وجود دارد و نمی‌توان گفت که همه این موارد تأثیر ترجمه یونانی هفتادتنان باشد: در فصلهای ۱ و ۴-۵ منحصرأ اندرهای کوتاهی در کنار یکدیگر آمده و به وسیله کلمات کوتاهی (واژه‌های اتصال) به یکدیگر متصل می‌شوند و این روش

(۲: ۱-۱۳). ترتیب برگزاری آیین پرستش (۳: ۱-۱۳) آثار و نتایج عملی نیایش برادرانه (۲: ۱۴-۲۶). در این سه قسمت علیه عادات بدی بحث و استدلال می‌شود که احتمالاً در بعضی از کلیساهای وابسته به پولس و همانهایی که به کلی با یهودی‌گری قطع رابطه کرده بودند وجود داشته است. نکته عجیب دیگری از اصول اخلاقی که یعقوب ذکر می‌کند حملات بی‌نهایت شدید علیه ثروتمندان است (۱: ۹-۱۱؛ ۲: ۵-۷؛ ۴: ۱۳-۱۷؛ ۵: ۱-۶). و ایمن حملات به اندازه‌ای شدید و صریح است که نمی‌توان فقط به گفتار تعبیر کرد. از دو یا سه نکته از این قسمت‌ها چنین استنباط می‌شود که انتقادهای شدید یا قسمتی از آنها برضد افراد معتبر و سرشناس یهودی است (۲: ۶-۷؛ ۵: ۶). بنابراین نویسنده نامه ی یعقوب، مبارزه‌ای در دو جبهه انجام می‌دهد، از یک طرف علیه کلیساهایی که کاملاً وابسته و در تبعیت از یادگار پولس بودند و از طرف دیگر علیه ثروتمندان یهودی. و امیدوار است که با این عمل مسیحیان دیگر را با یهودیان کم‌بضاعت متحد سازد که به نظر او مجموعه «دوازده قبیله پراکنده» را تشکیل می‌دهند. البته امکان چنین اقدامی در سالهای ۶۰-۶۵ میلادی قابل ادراک بود در صورتی که این اقدام متأخر بر سال ۸۰ میلادی است و پیش از آنکه کنش‌های پراکنده قاطعانه به عقاید فرقه فریسیان بپیوندند. این موضوع مربوط به تمام یهودیان پراکنده یونانی زبان است، با این همه ممکن است نامه در یکی از شهرهای یونانی زبان فلسطین مثل قیصریه یا طبریه نگاشته شده باشد. خواننده امروزی که عادتاً یهودی‌گری و مسیحیت را از یکدیگر جدا و متمایز می‌داند به

برنامه‌های او است. ولی مسئله واقعی این است که نویسنده نامه به چه کسی خطاب می‌نماید که برای او شخصیت مسیح چنین نقش مبهم و بی‌اهمیتی دارد؟ بدون شک به مسیحیانی خطاب می‌کند که فرهنگ یونانی دارند و روابط خود را با کنش‌هایی که قبلاً به آنها تعلق داشتند حفظ کرده‌اند ولی خیلی محتمل است که نامه را به یهودیانی خطاب می‌نماید که فرهنگ یونانی داشته و شاید علاقمند به عقاید و نظریات فرقه اسنیاں بوده‌اند و نویسنده امیدوار است ایشان را به آیین مسیحیت جلب نماید و بدین سبب بر مواردی که با مسیحیان مشترک است تأکید می‌نماید: مثل علاقه به قوانین اخلاقی، آرمان فقر، تشدید انتظار پایان روزگار و ایمان به خدای یکتا که در عهد عتیق اظهار شده است.

وضعیت نامه

عاملی که بیش از هر چیز دیگر مسیحیان و یهودیان آن دوران را به یکدیگر نزدیک می‌کرد رعایت اصول اخلاقی بود بدین سبب در این نامه اهمیت فوق‌العاده‌ای به مسائل اخلاقی داده شده است و همچنین موعظه‌های یعقوب که مخلوطی از موضوع‌های یهودی و موضوع‌های یونانی است شبیه نصایح و اندرز یهودیان یونانی‌گرا شده است؛ ولی اصول اخلاقی را که نویسنده می‌آموزد منحصر به تکرار نکات معمولی نیست که مورد قبول همه باشد بلکه جنبه‌های مخصوص و بی‌سابقه‌ای دارد که به وسیله آنها بهتر می‌توان وضعیت نامه را تعیین نمود، مثلاً سه مورد توضیحاتی که از ۲: ۱ تا ۳: ۱۳ در مورد طرز برگزاری آیین پرستش داده شده و شامل: تعیین جای ایمانداران در کلیسا

خوانندگان خطاب شده یا بحثهایی که با مخاطب فرضی انجام می‌گردد و غیره. ولی فصل اول نامه فقط یک رشته اندرزه‌های کوتاه است که ظاهراً ارتباطی با یکدیگر ندارند و اکثراً یک «واژه اتصال» پایان عبارتی را به آغاز عبارت بعدی پیوند می‌دهد مثلاً کلمه «پایداری» بین بندهای ۳-۴؛ «خطا» بین بندهای ۴-۵؛ «آزمون» و «وسوسه» (که در زبان یونانی از یک ریشه‌اند) بین بندهای ۱۲-۱۳؛ «دین» بین بندهای ۲۶-۲۷ و غیره. قسمت سوم نامه که از بند ۳:۱۴ آغاز می‌شود خیلی بیشتر ناموزون است و توضیحات نسبتاً مفصلی را با اندرزه‌های مجزا به هم می‌آمیزد. (۴:۱-۱۰، ۱۳-۱۷؛ ۵:۱-۶، ۷-۱۱). این بی‌ترتیب بودن ارائه مطالب در موعظه، معمولی است و مانع از آن نیست که نویسنده با مهارت، فنون مختلف نگارش ادبی از قبیل تکرار کلمات مشابه، رعایت قافیه و کلمات و عبارات موزون و غیره را بکار برد. وانگهی ممکن است که این بی‌ترتیبی در اثر و انعکاس احادیثی باشد که نویسنده در قسمتی از نامه خود از آنها استفاده کرده است. اعم از اینکه این احادیث از سخنان عیسی بوده، (زیرا در موارد بسیاری شباهت بین گفتار عیسی بر روی کوه با نامه یعقوب وجود دارد). یا اینکه احادیث مزبور از سخنان یعقوب باشد. زیرا این احادیث بنای ادبی نداشته‌اند و نویسنده ضرورتی ندیده است به آنها چنین ترکیب و بنایی بدهد: ضمناً فکر کرده برای چنین نوشته‌ای که فقط تأثیر مجموعه کلی و چگونگی جزئیات اهمیت دارد، تهیه طرح منظمی زاید خواهد بود، مضافاً بر اینکه همین بی‌ترتیبی نامه، بی‌قاعدگی و بدون جاذبه نیست.

دشواری این فکر و روحیه را درک می‌کند که اقدام به نزدیک کردن و اتحاد مسیحیت با یهودی‌گری کرده باشند. با این همه در دورانی که مذاکره برای وحدت کلیساها یا رفع اختلافات بین یهودی‌گری و مسیحیت در جریان است، در دورانی که بعضی ملتها در فراوانی و نعمت و بعضی دیگر در فقر و محرومیت بسر می‌برند، مسلماً نامه یعقوب می‌تواند به ما درسی بیاموزد. جای خوشحالی است که از یک طرف پروتستانها دیگر این نامه را بعنوان «رساله کاهی» (لوتر) و اثری بی‌اهمیت نمی‌شمارند و ایراد نمی‌گیرند به چه سبب درباره شناخت مسیح یا نجات بوسیله بازخرید در این نامه بحث کافی نشده است، از طرف دیگر کاتولیکها متوجه شده‌اند بهتر می‌توان از آن استفاده کرد تا اینکه فقط برای توجیه تقدیس بیماران باشد (ر.ک ۵:۱۴-۱۵) یا اینکه در استدلال علیه نظریه پروتستانها در مورد نجات به وسیله ایمان به کار برده شود.

تقسیمات نامه

بیهوده نباید در جستجوی طرح دقیق و معینی باشیم که نامه بر طبق آن تنظیم شده باشد زیرا بجز تغییرات شیوه نگارش که در بندهای ۲:۱ و ۳:۱۳ مشاهده می‌شود طرح دیگری وجود ندارد. قسمت مرکزی نامه که بین این دو بند قرار دارد شامل سه شرح و توضیح نسبتاً به هم پیوسته است و این توضیحات با موضوع انتقادی مشترک: یعنی طرز برگزاری آیین پرستش در بعضی از کلیساهای وابسته به پولس ارتباط دارند و مرتباً شیوه‌های مختلف علم بیان را در «هجو کردن» بکار می‌برند: مثلاً سؤالهایی که به

نامه یعقوب رسول

عنوان نامه و سلام

۱ از یعقوب که برده خدا^a و خداوند^b عیسی مسیح است، به دوازده قبیله ای که در پراکندگی هستند^c، سلام!

یوحنا: ۳۵:۷
اع: ۲۳:۱۵

آزمون^e ایمان شما^f، پایداری تولید می کند. ^۴ اما پایداری [باید] عمل کاملی باشد تا شما کامل^g و به تمامی باشید و چیزی کم نداشته باشید.

مت: ۱۰:۱۲-۵
۱-بطرا: ۱۶:
۴:۱۳-۱۴:
۱-بطرا: ۷:
مت: ۵:۴۸

نیایش ایمان

^۵ با این همه اگر کسی از شما فاقد ^۶ حکمت است^h از خدا که بی حسابⁱ و بدون سرزنش به همه می دهد درخواست مت: ۷:۷ نماید^j و به او داده خواهد شد. ^۶ اما با

تکامل به وسیله آزمون

^۲ ای برادران من، هنگامی که در آزمون های^d مختلف می افتید، [آنها را] شادی به تمام بینگارید. ^۳ چون که می دانید

روم: ۵:۳-۵
حک: ۵:۳

a- یعقوب به مانند پولس (روم ۱:۱:۱ فی ۱:۱) و سایر نویسندگان عهد جدید (۲-بطر ۱:۱:۱ یهو ۱:۱) خود را برده عیسی مسیح می خواند بدون اینکه خود را با عنوان رسول ذکر نماید (ر. ک ۱-قرن ۱۵:۷). ضمناً برخلاف یهودا هویت خود را دقیقاً تصریح نمی کند زیرا شخصیت معروف و سرشناسی است.

b- از آغاز نامه که به عیسی عنوان خداوند داده شده نشان می دهد که منشأ نامه مسیحی است. ولی این عنوان فقط در یک قسمت دیگر صریحاً به عیسی داده شده است (۲:۱۰:۲ ر. ک ۵:۱۴-۱۵): و در جاهای دیگری که عنوان خداوند آمده است (۱:۷:۳:۹:۴، ۱۰، ۱۵:۵:۴، ۱۰، ۱۱) منظور خدای پدر است.

c- این اصطلاح در ۱-بطر ۱:۱ نیز بکار برده شده ولی در اینجا مفهوم وسیع تری دارد: بدین معنی که منظور مسیحیانی هستند که قبلاً جزو کنشتهای یهودی خارج از فلسطین بوده اند و حتی شاید به بعضی از یهودیان این مناطق اطلاق می شود. نویسنده در دنباله نامه به مخاطبان عنوان برادرانی داده که در کنشته ها جمع می شوند (۲:۲) و کلیساها را تشکیل می دهند (۵:۱۴).

d- در بندهای ۲ و ۱۲ منظور از آزمونها برخوردها و مخالفتهایی است که از خارج می آیند در صورتی که در بندهای ۱۳-۱۴ کلماتی که از همین ریشه آمده به معنی طمع و وسوسه ای است که از درون خود انسان ناشی می گردد. آزمون ها وسیله آموزشی الهی هستند که نسبت به مسیحیان اعمال می شوند (ر. ک پید ۴:۲۱:۵:۱۱) در صورتی که خدا آدمی را به وسوسه نمی کشاند (ر. ک مت ۱۳:۶).

e- پیوستگی و تسلسل مطالب با آنچه در روم ۳:۵-۴ است (ر. ک ۲-بطر ۱:۵:۷) شباهت و ضمناً اختلافاتی دارد. شکی نیست که یعقوب نکته ای از موعظه های مشترک یهودی و مسیحی را ذکر می کند. آزمون وسیله ای است که نمودار ایمان می باشد و فرد مسیحی در برخورد با دشواریها و مخالفتها با پایداری ثمره ای کامل به یاد می آورد (ر. ک بند ۱۲:۵:۱۱ لو ۸:۱۳-۱۵).

f- در بعضی از نسخه های خطی نوشته شده: اصالت ایمان شما.

g- ر. ک ۲:۳.

h- ر. ک ۱۳:۳.

i- ترجمه دیگر: باسادگی. ترجمه دیگر: با بخشندگی. خدا که بی حساب و با سادگی می دهد بدان معنی است که شرطی قائل نمی شود (ر. ک روم ۸:۱۲:۲-قرن ۱۱:۳:۳:۱۱ کول ۳:۲۲). این نکته که خدا با سادگی می دهد برخلاف و در مقابل وضعیت انسانی است که روح دوگانه دارد و مردد و ناپایدار است (ر. ک بند ۸: بنسی ۲۰:۱۴-۱۵).

j- ر. ک ۲:۴:۳.

زندگی یافتن به وسیله آزمون

۱۲ خوشا مردی که آزمون را تحمل
می کند! چونکه آزموده شده است تاج
زندگی را دریافت خواهد کرد که
[خداوند] به آنان که او را دوست دارند
وعده کرده است.ⁿ

دان ۱۲:۱۲؛
۱- قرن ۶:۲۵؛
۲- تیمو ۴:۸؛
۱- بطر ۵:۴؛
مکا ۴:۱۰
۵:۲؛
روم ۸:۲۸

۱۱:۲۴ ایمان درخواست کند و در هیچ چیز تردید
ننماید زیرا تردید کننده به مانند موج دریا
افس ۴:۱۴ به باد رانده شده و متلاطم می شود.^۷ پس
چنین انسانی تصور نکند که چیزی از طرف
خداوند دریافت خواهد کرد؛^۸ مردی که
روح دوگانه دارد^k و در همه رفتارهای خود
ناپایدار است.

وسوسه انسان و عطیه خدا

۱۳ هیچکس که به آزمون گذاشته شده،
نگوید: «از طرف خدا به آزمون گذاشته
شده ام»؛ زیرا خدا به دور از آزمونهای بد
است^o و خودش کسی را به آزمون
نمی گذارد.^{۱۴} بلکه هر کس بر اثر طمع
خود به آزمون در می آید^p که او را کشیده و
به طعمه جلب می نماید؛^{۱۵} سپس طمع که
ایجاد شده، گناه به بار می آورد، و گناه که

روم ۷:۱۱-۱۷

فقیر و ثروتمند

۹ برادر حقیر^۱ به تعالی خود افتخار کند،
۱۰ بر عکس، ثروتمند از پایین آمدن خود،
زیرا به مانند گل خودرو در گذر است.
۱۱ چونکه آفتاب طلوع می کند و با باد
سوزان گیاه خشک می شود؛ و گل او می افتد
و زیبایی ظاهر او از بین می رود؛ و همینطور
ثروتمند در اقدام های خود افسرده می شود.

مز ۱۰۲:۵، ۱۱؛
اش ۴۰:۶-۷؛
۱- بطر ۱:۲۴؛
مر ۴:۶

k- ر. ک ۴:۸.

l- در بندهای ۹-۱۰ موقعیت اجتماعی افراد مختلف جمعیت های مسیحیان ذکر شده که وضعیتهای نامساوی داشتند (ر. ک
۷:۱-۱:۵؛ ۶-۱:۱؛ ۱-قر ۱:۲۶-۲۹؛ ۱۱:۲۱-۲۲). ممکن است پایین آمدن موقعیت فرد ثروتمند بدین سبب بوده که بر اثر
گرویدن به مسیحیت دیگر از مراعات و احترامی که در محافل مربوط قبلی خود داشته برخوردار نیست، ضمناً با ورود در
جمعیت قسمتی از دارایی خود را در این راه صرف و فدا کرده است. تناقض بین تعالی و تنزلی که در این بندها در مقابل هم
آمده باید از نظر زندگی پس از پایان روزگار ملاحظه شود: بدین معنی که فرد مسیحی بیثواب، به میراثی که به او وعده داده شده
افتخار می کند در صورتی که فرد ثروتمند دیگر نمی تواند به ثروتهای ناپایدار افتخار نماید (ر. ک ۵:۱-۳).

m- این اظهار که درباره خوشبختی جاودانی است دنباله عبارات متداول و معمولی موعظه های اخلاقی عهد عتیق است و به کسی
که راه خدا را پیروی می کند سعادت جاودانی وعده می دهد (ر. ک بند ۲۵). بر طبق نوشته های عهد جدید این سعادت
جاودانی زندگی اخروی در پایان روزگار است و مخصوصاً به کسانی وعده داده شده است که آزمونها را تحمل می نمایند
(ر. ک ۵:۱۱؛ مت ۵:۱۰-۱۲؛ لو ۱۲:۳۷-۳۸؛ ۱-بطر ۳:۱۴؛ ۴:۱۴؛ مکا ۳:۱۴؛ ۱۵:۱۶).

n- در تعداد زیادی از نسخه های خطی کلمه [خداوند] در متن نامه نوشته شده است.

o- ترجمه تحت اللفظی: زیرا خدا آزمون نشده از بدی ها است. در این جمله فعل به صورت مجهول بکار رفته و منظور این است
که: بدی را به خدا دسترسی نیست؛ در صورتی که در عبارت: خدا نمی تواند برای بدی وسوسه کند (ر. ک ولگات) فعل به
صورت معلوم است. به هر صورت نویسنده بلافاصله می گوید: و خودش کسی را به آزمون نمی گذارد.

p- خدا نمی تواند وسوسه کند؛ زیرا نسبت به بدی بیگانه است و لذا کسی را به بدی کردن وادار نمی نماید (ر. ک بنسی
۱۱:۱۳-۱۱). انسان مجذوب و فریفته «رب النوع» طمع می شود، طمع بمانند سایر هوی و هوسهای نفسانی است که در
درون اعضای آدمی با یکدیگر در کشمکش هستند (۴:۱۲) و همان نقشی را دارد که یهودیان آن دوران «نمایلات بد»
می نامیدند و در نوشته مکشوفه در قمران «روح فساد و ظلمات» خوانده شده است (مقررات ۳:۱۸-۲۶:۴؛ ر. ک روم ۷:۷-
۸؛ ۱- یو ۲:۱۶-۱۷). این طرز ادراک و ملاحظه که کاملاً با موضوع آزمون وسوسه دارد و آزمون وسوسه را از عمل
خدا به دور و بر کنار می شمارد تا اندازه ای از نوشته های عهد عتیق متفاوت است (مثلاً تث ۱۳:۴). و کاملاً مربوط به موضوع
انسان گناهکاری است که بین قدرتهای نامریی تقسیم شده است (خدا و دنیا، ۴:۴؛ خدا و ابلیس ۴:۷).

گوش دادن به سخن و بکار بستن آن

۱۶ ای برادران محبوب من، بدانید که^v ۲-۱:۳
جا: ۱:۵:۷:۹
هر انسان [باید] در گوش دادن شتابان، در
سخن گفتن کند، در خشم کند باشد؛^v بنسی: ۱۳:۵
مت: ۲:۵
۲۰ زیرا خشم مرد، عدالت خدا را انجام
نمی دهد^w. ۲۱ بدین سبب، هر پلیدی و
بقیه شرارت را رها کنید^x، با فروتنی

به پایان خود رسید، مرگ ایجاد می کند^q.
۱۶ ای برادران محبوب من، گمراه نشوید:
غلا: ۷:۶-۸
مت: ۷:۱۱
از پدر روشنایی ها^s نازل می شود که در نزد
او تغییری و سایه ای از تحول نیست^t. ۱۸ به
اراده [خود] ما را به وسیله یک سخن
حقیقت^u آفریده است، تا ما به نوعی نوبر
آفریدگان او باشیم.
۱۳:۱۰
مز: ۱۱۹:۴۳
مکا: ۱۴:۴

q- با اینکه در مورد ارتباط گناه و مرگ نوعی شباهت با نامه به رومیان وجود دارد (روم ۵:۱۲: ۶:۲۳: ۷:۱۳)، در اینجا گناه قدرتی نیست که خارج از وجود انسان باشد بلکه همان عمل خطایی است که انجام می شود (ر. ک. ۲:۹: ۴:۱۷: ۵:۱۵-۱۶، ۲۰). و هنگامی که گناه به تمامیت می رسد مرگ ایجاد می نماید. همین ارتباط بین گناه و مرگ در ۲۰:۵ ذکر شده است. ضمناً منظور فقط مرگ جسمانی نیست بلکه مرگ نهایی و نیستی ابدی است که در مقابل زندگی جاودانی می باشد. این زندگی هم اکنون به وسیله سخن حقیقت در خود ایماندار ایجاد شده (بند ۱۸) و خدا به آثانی که او را دوست دارند وعده کرده است (بند ۱۲).

r- نخستین کلمات این بند در متن یونانی به صورت منظوم و با قافیه (شش هجایی) است. شاید نویسنده اصطلاحی به صورت ضرب المثل را درباره ارزش عطیه نقل کرده ولی افزوده که عطیه کامل فقط از سوی خدا می آید.

s- خدا، خداوند است (ر. ک. ۱:۱)، پدر است (۱:۲۷: ۳:۹)، خدای یکتا که در بیان ایمان یهود ذکر می شود (۲:۱۹: ر. ک. ۱۲:۴). پدر روشنایی ها است زیرا ستارگان را آفریده است (ر. ک. پید ۱:۱۴-۱۸؛ ولی این عنوان در مورد خدا فقط در ترجمه ارمنی مکاشفه موسی آمده است ۳۸:۳۶؛ در نوشته های قمران، تصورات جمعیت ۳:۲۰، سلطان روشنی بر ضد فرشته ظلمات است). اگر خدا پدر روشنایی ها است، خودش روشنایی است (ر. ک. ۱-۵:۱)؛ نویسنده هرگونه دوگانگی را در مورد خدا و عمل او نفی می کند (ر. ک. بند ۱۳) و او را از تفرقه و دورویی که مختص مرد گناهکار است برکنار می دارد (ر. ک. ۴:۴). همچنین خدا به هر کس که درخواست کند می دهد (ر. ک. بند ۵:۵: ۱۵:۵). همواره آماده برای بخشیدن است (۱۱:۵). اما داور هم هست (۸:۵-۱۰: ر. ک. ۱۲:۴)، به فقیرانی که در معرض آزمون ها هستند سلطنت می دهد و از ثروتمندانی که از قانون او سرپیچی کرده اند حساب می گیرد.

t- عبارت آخری این بند در نسخه های خطی به چهار صورت مختلف نوشته شده که هیچ یک از آنها کاملاً قانع کننده نیست و ممکن است این متن مختصری تغییر یافته باشد.

u- منظور از سخن حقیقت بیش از آن که سخنی خلاقه باشد احتمالاً آموزشی است که ایمانداران دریافت می کنند و ایشان را به نجات رهبری می کند. شکی نیست که منظور از این سخن حقیقت که به ابتکار و اراده خدا است یادآوری انجیل است (ر. ک. ۱-پطرس ۲۳-۲۵؛ کول ۵:۱؛ افس ۱:۱۳: ۲-تیمو ۲:۱۵)، ولی یک حکمت زندگی هم هست (ر. ک. ۳:۱۴: ۵:۱۹) که نویسنده آن را قانون آزادی می نامد (بند ۲۵: ۱۲:۲). در حالی که طمع مرگ به بار می آورد این سخن به مسیحیان موجودیت می بخشد تا همچون نوبرهای آفرینش جدید باشند.

v- آغاز این بند در نسخه های خطی به صورتهای مختلف است و آنچه بهتر گواهی و پذیرفته شده چنین است: در نتیجه، ای برادران محبوب من، فراموش نکنید که ...

w- در اینجا عدالت خدا همان معنایی نیست که پولس در مورد نجات اظهار نموده است (ر. ک. روم ۱:۱۷: ۳:۲۴). بلکه شامل مجموعه الزامات سخن یا حکمت الهی (ر. ک. ۱۸:۳) و مخصوصاً قانون متعالی محبت است (ر. ک. ۸:۲) که خشم تجاوز به آن محسوب می شود. با پذیرفتن این الزامات، آدمی عادل بشمار می آید (ر. ک. ۲-۲۱: ۲۵) و به نیایش خود نیرو می بخشد (ر. ک. ۱۶:۵). در مورد این طرز ادراک عدالت و همچنین رفتار برطبق ایمان، مطالب مشابهی در انجیل متی آمده است (مت ۵:۶، ۱۰، ۲۰: ۳۳: ۶: ۱۲: ۳۷).

x- این عبارت جزو موعظه و اندرزهای به تعمید یافتگان است (ر. ک. ۱-پطرس ۲:۲: روم ۱۳:۱۲؛ افس ۴:۲۲، ۲۵؛ کول ۳:۸: عبر ۱:۱۲).

ایشان دیدار کردن و خود را بدون آلودگی^e مت ۳۵:۲۵-۳۶- مر ۱۲:۴۰

[به دور] از دنیا^f نگهداشتن.

جانبداری از ثروتمندان تجاوز به قانون است

۲ ای برادران من، تبعیض^g را با ایمان خداوند شکوه ما، عیسی مسیح نیامیزید. ^۲ زیرا اگر در اجتماع شما^h مردی با انگشتی طلا و لباس درخشان وارد شود و همچنین فقیری با لباس کثیف وارد شود؛ ^۳ و به آنکه لباس درخشان پوشیده نگاه کرده و بگویید: «تو، در اینجا در جای خوب بنشین» و به فقیر بگویید: «تو [در آنجا] بایست» یا اینکه: «بنشین پایین زیر پای من»ⁱ، آیا در بین خودتان تبعیض نمی کنید و داوورانی با استدلالهای غلط^h نمی شوید؟ ^۵ گوش کنید، ای برادران محبوب من؛

سخنی را که در شما کاشته شده و می تواند

روح های شما را نجات دهد بپذیرید. ^{۱۳:۸} لو ۲۲:۱۳
عبر ۱۱:۴
مت ۲۶:۲۱:۷- لو ۲۸:۱۱
۴۷:۱۲
روم ۱۳:۲
۱- یو ۱۸:۳
۱۲- قرن ۱۳:۱۲
قانونی کامل که آزادی است^z متمایل شود. ^{۲:۸} روم
۱- بطر ۱۶:۲
مت ۲۷:۷- ۲۴:۷- لو ۳۷:۱۰
بکار ببندد^a، او در بکار بستن آن خوشبخت خواهد بود. ^{۱۷:۱۳} یو
می کند متدین^b است، اما زبان خود را نگه نمی دارد، دل خود را فریب می دهد^c دین چنین کسی باطل است. ^{۲۷} دین^d پاک و بی آرایش به نزد خدا و پدر چنین است: یتیمان و بیوگان را، به [هنگام] سختی

y- در بعضی از نسخه های خطی کلمه زیرا حذف شده است.

yy- ترجمه تحت اللفظی: چهره تولد خود را ...

z- ر. ک ۱۲:۱۲.

a- ر. ک ۲:۱۴.

b- در چند نسخه خطی افزوده شده است: در بین شما.

c- ترجمه دیگر: خود را فریب می دهد.

d- در اینجا مجدداً سخنانی با لحن پیامبرانی آمده است که پرستش واقعی را از عدالت نسبت به افراد حقیر منفک و جدا نمی دانستند (ر. ک اش ۱:۱۱-۱۷، ۲۳؛ ار ۵:۲۸؛ حزق ۲۲:۷؛ زک ۷:۱۰). پاکی که در این پرستش ضروری است محبت می باشد (ر. ک ۴:۸؛ مر ۷:۱-۲۵).

e- بجای بدون آلودگی ... و نگهداشتن در یکی از نسخه های خطی نوشته شده است: ایشان را از دنیا حفظ کردن.

f- ر. ک ۴:۴.

g- کلمه یونانی که تبعیض ترجمه شده است به معنی رعایت و جانبداری از اشخاصی است که برخلاف ایمان در خداوند عیسی مسیح می باشد، زیرا تنها شکوهی که برای فرد ایماندار مهم است شکوه خداوند است. خدا هیچ گونه تبعیضی مخصوصاً در اجرای داوری قائل نمی شود (ر. ک روم ۲:۱۱؛ افس ۶:۹؛ کول ۳:۲۵؛ ۱- پتر ۱:۱۷) و فرد ایماندار هم نمی تواند بنحو دیگری رفتار نماید.

h- ترجمه تحت اللفظی: در کنشت شما.

i- در تعدادی از نسخه های خطی بر طبق متن بالا است، در نسخه های متعدد دیگری: «تو در آنجا بایست یا در اینجا بنشین در پایین زیر پای من». منظور از زیرپایی، چهارپایه یا کرسی کوچک است که بر روی آن می نشینند.

ii- ترجمه تحت اللفظی: استدلال های شریب.

- ۹:۱؛ ۳:۵؛ مت ۳:۵؛
 لو ۲۰:۲؛
 ۱-قرن ۱:۲۶-۲۸؛ مکا ۹:۲
- مگر خدا آنان را که از نظر دنیا فقیرند
 انتخاب نکرده است. تا در ایمان ثروتمند
 و وارث آن ملکوتی باشند که به
 دوستداران خود وعده کرده است؟^۶ اما
 شما فقیر را تحقیر می کنید! آیا
 ثروتمندان نیستند^k که به شما ستم
 می کنند؟ و آنها شما را به محاکم
 می کشند؟^۷ آیا ایشان نیستند که نام
 زیبایی^l را که بر شما گذاشته شده بی
 حرمت می کنند^m؟^۸ البته اگر شما آن
 قانون سلطنتی راⁿ بر طبق نوشته مقدس^o
 انجام می دهید که: به هم نوع خود به
 مانند خودت محبت خواهی کرد، خوب
 عمل می کنی؛^۹ اما اگر تبعیض می کنی،
- گناهی انجام می دهید توسط قانون، شما
 بعنوان متجاوز توبیخ می شوید.^{۱۰} زیرا
 هر که تمامی قانون را نگاه می دارد، اما
 فقط در یک مورد لغزش می کند، در مورد
 تمامی آن مجرم است^p.^{۱۱} زیرا آنکه
 گفته است: زنا مکن، همچنان گفته
 است: قتل مکن، پس اگر زنا نمی کنی
 اما قتل می کنی، متجاوز به قانون
 شده ای^q.^{۱۲} پس طوری سخن بگویند و
 طوری عمل کنید چنانکه بر طبق یک
 قانون آزادی باید داوری شوید.^r زیرا
 داوری در مورد کسی که ترحم نکرده
 است بدون ترحم است؛ ترحم بر داوری
 پیروز می شود.^s
- لا و ۱۹:۱۸؛
 مت ۲۲:۳۹؛
 مر ۱۲:۳۱؛
 لو ۱۰:۲۷
- خروج ۲۰:۱۳-۱۴؛
 تث ۱۷:۱۷-۱۸
- مت ۵:۷؛
 ۱۸-۳۴-۳۵؛
 ۴۶-۴۵:۲۵

j- از هم اکنون عمل خدا عبارت از انتخاب فقر دنیایی، همچون ثروت در ایمان است، در حالی که ثروتمندان گنجینه ای می اندوزند که کاملاً تهدید می شود (ر.ک ۱:۱۱؛ ۱:۵؛ ۳-۱). این انتخاب متضمن تعهد میراثی در پایان روزگار است. (ر.ک ۱:۱۲؛ مت ۲۵:۳۴؛ ۱-قرن ۱:۹-۶؛ ۱۰:۱۵؛ ۵۰:۱۵؛ غلا ۵:۲۱).

k- منظور ثروتمندانی هستند که جای خود را در کنش مسیحیان دارند و یعقوب بطور کلی ثروتمندان را جدا نمی کند. وی درباره این نوع افراد نظریات یکسان و یکنواختی دارد.

l- منظور نام خداوند عیسی مسیح است (ر.ک بند ۱)، نامی که در هنگام تعمید فرد ایماندار یاد می شود (ر.ک اع ۳۸:۲؛ ۴۸:۱۰)، و ثروتمندان با تعقیب شکنجه فرد عادل که به مسیح تعلق دارد این نام را بی حرمت می نمایند (ر.ک ۶:۵؛ مت ۱۰:۲۲؛ ۹:۲۴).

m- ترجمه های دیگر: بدنام می کنند، هتاک می کنند.

n- در بندهای ۸-۱۲ قانون سلطنتی، قانون (ر.ک ۴:۱۱) و قانون آزادی (ر.ک ۱:۲۵) مساوی و به یک ارزش ذکر شده اند.

o- ذکر قانون آزادی در آیین یهود سابقه دارد: زیرا قانون یهود به اشخاصی که از آن تبعیت می کردند آزادی می داد (ر.ک یو ۸:۳۱-۳۵). ولی منظور یعقوب تفسیر مسیحی قانون است؛ این قانون از یک طرف نزدیک و شبیه به سخن حقیقت است

(ر.ک ۱:۱۲-۲۴) و از سوی دیگر مهمترین عمل این قانون محبت به دیگران است (ر.ک ۱:۲۶-۲۷)، و در بین فرمانها، مقام و ارزش سلطنتی و والاتر دارد (چنین بنظر می رسد که این طرز استنباط بهتر از تفسیری است که قانون سلطنتی را قانون

ملکوت تعبیر می نماید). ضمناً همان نظریه مت ۱۹:۱۸-۱۹ (ر.ک ۵:۲۱-۴۸) است و می توان آن را نزدیک به موضوع تمامیت قانون دانست که در غلا ۵:۱۴؛ روم ۱۳:۹-۱۰ آمده و یا فرمان جدیدی که در یو ۱۳:۳۴-۳۵ ذکر شده است. این

قانون کامل است (ر.ک ار ۲۵) زیرا اظهار کامل اراده خدا است و قبلاً هم منظور و هدف قانون موسی بود: کسی که آن را اجرا می کند حتی اگر باز هم بلغزد (ر.ک ۳:۲) می تواند از داوری باکی نداشته باشد. (ر.ک بند ۱۳؛ ۱-یو ۱۴:۲۰؛ مت ۶:۱۵-۱۸؛ ۲۳:۲۵).

o- ترجمه تحت اللفظی: بر طبق نوشته. ترجمه دیگر: بر طبق متن.

p- در اینجا یکی از اصول آیین یهود را ذکر می کند (ر.ک غلا ۳:۱۰ که در آن تث ۲۶:۲۷ نقل شده است). بدین معنی که سربیزی از یکی از دستورات به مفهوم تجاوز و تخطی از اراده کسی است که عامل و آفریننده تمام قوانین است. به هر صورت بطوری که از فحوای عبارت برمی آید در اینجا منظور دستوراتی است که محبت نسبت به همنوع را بیان می کنند.

q- در دو نسخه خطی قدیمی نوشته شده: تو قانون را نفی کرده ای. ترجمه دیگر: از قانون تخلف کرده ای.

r- ر.ک ۹:۵.

s- در چند نسخه خطی نوشته شده: باشد که ترحم داوری را به هیچ شمارد!

بدون اعمال نیک، ایمان مرده است

۱۴ ای برادران من، چه فایده‌ای دارد اگر کسی می‌گوید ایمان دارد ولی اعمالی ندارد؟^t آیا ایمان می‌تواند او را نجات دهد؟^{۱۵} اگر برادری یا خواهری برهنه است و فاقد غذای روزانه است،^{۱۶} و کسی از بین شما به ایشان بگوید: «به سلامت [بروید]، [خود را] گرم کنید، و [خود را] سیر کنید» اما نیازمندیهای جسم را به ایشان ندهد؛ چه فایده‌ای دارد؟^{۱۷} ایمان هم به همین گونه است: اگر اعمال

ندارد، [ایمان] در خود^u مرده است. ۲: ۲۰، ۲۶: ۱۸ اما کسی خواهد گفت^v: «تو ایمان داری و من اعمال دارم! ... ایمان خود را بدون اعمال به من نشان بده؛ و من به وسیله اعمالم، ایمان [خود] را به تو نشان خواهم داد». ۱۹ تو ایمان داری که خدا بکتاست. خوب می‌کنی. دیوان هم ایمان دارند ... و می‌لرزند. ۲۰ آیا می‌خواهی ۱: ۲۴، ۷: ۵؛ ۳۴: ۴؛ مت: ۲۹: ۸؛ مر: ۱: ۲۴؛ ۷: ۵؛ ۳۴: ۴؛ بفرم، ای انسان تهی [مغز]، که ایمان بدون اعمال بی فایده است^w؟^{۲۱} ابراهیم، پدر ما^x مگر به وسیله اعمال به عدالت

t- بندهای ۱۴-۲۶ درباره موضوع اساسی این نامه یعنی اعمال و ایمان است، موضوعی که زمینه و پایه زیرین تمام نامه به شمار می‌رود (ر.ک. ۱: ۳-۶، ۲۵: ۳-۱۳). چنین بنظر می‌رسد که نویسنده مخالف با نظریه پولس است که اظهار می‌کند فقط به وسیله ایمان می‌توان به عدالت شناخته شد (ر.ک. روم ۳: ۲۸؛ غلا ۲: ۱۶)، زیرا می‌گوید ایمان نمی‌تواند بدون اعمالی نجات دهد و ایمان بدون اعمال مرده است (ر.ک. بندهای ۱۷، ۲۶). ولی اعمالی را که یعقوب از آنها سخن می‌گوید همان «اعمال قانون» نیستند که در نامه‌های به غلاطیان و به رومیان اظهار شده است بلکه اعمالی ثمره ایمان هستند که به نظر خود پولس هم ایمان باید آنها را به وجود بیاورد (ر.ک. روم ۲: ۶؛ ۱۵-۱۶؛ غلا ۵: ۶؛ افس ۲: ۸-۱۰؛ کول ۱: ۱۰؛ ۱-۲؛ ۳: ۱-۲؛ ۱۱: ۱). یعقوب بدون اینکه ایمان و اعمال را یکی بداند درباره ایمانی اصرار و تأکید می‌نماید که در اعمال و بوسیله اعمال به تمامیت می‌رسد و مخصوصاً در محبت به هم‌نوع و در نیایش انجام می‌یابد. اعتماد کردن به سخن حقیقت که تنها وسیله نجات فرد گناهکار است، همچنین اطاعت از اراده الهی در امور مربوط به زندگی است. در این نامه درباره طرز رفتار و عمل فرد ایماندار به طوری تأکید شده که نشان می‌دهد با محافل مسیحی یهودی الاصل ارتباط دارد و نظیر مواردی در انجیل متی است (۵: ۱۶، ۲۰، ۱۷: ۱۲-۱۲، ۲۷: ۱۲؛ ۵۰: ۱۸-۲۳؛ ۳۵: ۲۵-۳۱؛ ۴۶). ولی نباید فراموش کرد که فرد عادل را خدا ایجاد کرده و مفتخر می‌کند؛ و در بند ۲۲ که اظهار شده است ایمان به وسیله اعمال کامل شده و به تمامیت می‌رسد مستقیماً اختلافی به نظریات و موقعیت پولس ندارد.

نظریه‌ای که در این نامه ارائه می‌شود خیلی بعد از اظهار نظریات مبهم و متغیر پولس ابراز گردیده است. پولس در مقابله با طرفداران یهودی‌گری که می‌خواستند ایمان را در میان اعمال تحلیل و محو نمایند از تقدم ایمان دفاع می‌کرد و ایمان را از ثمرات آن که اعمال می‌باشد مجزی و منفک می‌نمود؛ در صورتی که یعقوب ارزش و موقعیت ایمان و اعمال ایمانی را با در نظر گرفتن نکات انتقادی پولس، با یکدیگر تطبیق داده و ظاهراً با تفسیر مبالغه‌آمیز آموزش پولس مخالفت کرده است.

u- همچنین می‌توان ترجمه کرد: کاملاً مرده است.

v- تفسیر بندهای ۱۸-۱۹ مشکل است و مفسران در مورد طرز تفکر و استدلال نویسنده عقاید مختلفی دارند، به نظر بعضی از مفسران در اینجا سخنگویی نظر نویسنده را ابراز می‌کند و در نظر مفسران دیگری فرد مخالفی است که سخن می‌گوید و بحث و استدلال به عقاب و خطاب در بند ۲۰ منتهی می‌شود (روش نگارش در تأیید این تفسیر است). مخالف گوی فرضی با این اظهارات نویسنده را وادار می‌کند بپذیرد با اینکه مرد عمل است ایمان هم دارد و در نتیجه تصدیق کند که به سبب همان ایمان، وجدان خویش مطرح و مورد بحث است نویسنده این بحث را قطع کرده و نشان می‌دهد که در هیچ موردی نمی‌توان ایمان را از اعمال تفکیک و مجزی نمود چنانکه نوشته‌های مقدس آن را تأیید می‌کنند.

w- در تعدادی از نسخه‌های خطی: مرده است.

x- همچنان که پولس در همین مسئله ایمان و اعمال مورد ابراهیم را ذکر کرده بود (روم ۴: ۳-۹) یعقوب هم او را که چهره معمولی روایات یهود است بعنوان شاهد می‌آورد و به او عنوانهای پدر (مت ۳: ۹؛ لو ۱۶: ۲۴، ۲۷، ۳۰؛ یو ۸: ۳۹، ۵۳؛ ر.ک. روم ۴: ۱۶-۱۸) و دوست خدا می‌دهد (۲-توا ۷: ۲۰؛ اش ۴۱: ۸؛ ۵۱: ۲؛ ترجمه یونانی؛ دان ۳: ۳۵؛ ترجمه یونانی). در روش استدلال خود بر موضوع قربانی ابراهیم تکیه کرده، آن را عمل ایمان تفسیر می‌کند و ضمناً در نقل قول خود مفاد پید ۶: ۱۵ و

پذیرفته و از راه دیگری ایشان را به بیرون فرستاد؟^{۲۶} به همان گونه که جسم بدون روح مرده است، پس همچنین ایمان بدون ۲۰:۱۷:۲ اعمال مرده است.

شما که آموزش می‌دهید زبان خود را نگهدارید

۱ بسیار^f معلم نباشید^g، ای ۱۹:۱
۱۳:۳ برادران من، زیرا می‌دانید که ما داوری سخت تری خواهیم داشت^۲ چونکه همگی بسیار می‌لغزیم. اگر کسی در گفتار لغزش نمی‌کند مردی بنسی ۱۴:۱ کامل است^h و می‌تواند تمامی جسم را ۲۶:۱

پید ۹:۲۲-۱۲ شناخته نشد^l، وقتی که پسر خود اسحق را بر روی قربانگاه تقدیم کرد؟^{۲۲} می‌بینی که ایمان به همراه اعمال او فعالیت می‌کرد، و به وسیله اعمال، ایمان به تمامیت رسید،^{۲۳} و نوشته مقدس^Z به تمامیت رسید که پید ۱۵:۶ می‌گوید: و ابراهیم به خدا ایمان آورد^a و این بعنوان عدالت به حساب او گذاشته شد و دوست خدا نامیده گردید.^{۲۴} می‌بینید که انسان، به وسیله اعمال به عدالت شناخته می‌شود^b و نه [تنها] به وسیله ایمان.^{۲۵} و همچنین نیز راحاب فاحشه^c، آیا نه این است که به وسیله اعمال به عدالت شناخته شد^d؟ زیرا فرستادگان^e را

فصل ۱:۲۲ را به یکدیگر ارتباط می‌دهد؛ در صورتی که پولس از نخستین متن خود ثابت می‌کند که ایمان آوردن ابراهیم قبل از ختنه و اعمال دیگر قانون بوده است (ر. ک پید ۱۷). بدین ترتیب یعقوب از روش تفسیر یهود استفاده کرده (ر. ک بنسی ۴۴:۲۰-۱-۱ مک ۲:۵۲؛ عبر ۱۱:۱۷) تا کسانی را که از تفسیر پولس استفاده مفراط می‌کردند مجاب نماید.

y- ترجمه دیگر: ... مگر عدالت خود را به اعمال مدیون نبود ...

Z- ترجمه دیگر: متن. ترجمه تحت اللفظی: نوشته.

a- ترجمه دیگر: در خدا ایمان داشت ...

b- ترجمه دیگر: عدالت خود را مدیون به اعمال است.

c- در حالی که عبر ۱۱:۳۱ راحاب را به سبب ایمانش ستایش می‌نماید یعقوب در مورد مهمان نوازی او از اسرائیلیان اصرار و تأکید کرده است (ر. ک نخستین نامه کلمنت به قرتیان ۱۲ و شاید مت ۲۱:۳۱). با توجه به اینکه یهودی گری راحاب را به عنوان کسی که تازه به آیین یهود گرویده است می‌شناسد تشبیه و مقایسه او با ابراهیم تا اندازه‌ای حیرت‌آور است شاید بدین گونه می‌توان توضیح داد که مخالفان استدلال کرده، بر مبنای یوشع ۹:۲-۱۳ می‌گفتند که راحاب تنها به وسیله ایمان نجات یافته است.

d- ترجمه دیگر: آیا نه اینست که عدالت خود را مدیون اعمال بود؟

e- در بسیاری از نسخه‌های خطی: جاسوسان را.

f- ترجمه دیگر: همگی معلم نباشید.

g- بطوری که از محتوای نامه بر می‌آید در میان جمعیت مسیحیان معلمانی هستند و نویسنده نامه هم یکی از آنان است و قدیمی‌ها بر معلمان سمت ریاست و رهبری دارند (ر. ک ۱۴:۵). عنوان قدیمی‌ها دوران نگارش نامه‌های شبانی و اعمال رسولان را به یاد می‌آورد در صورتی که معلمان نخستین بار در جزو نامه‌های پولس ظاهر می‌شوند (روم ۱۲:۷؛ ۱-قرن ۱۲:۲۸-۲۹؛ افس ۴:۱۱). این اخطار که به معلمان خطاب شده در ادامه هشدار شدید درباره زبان است؛ زیرا معلمان به سبب وظیفه‌ای که بر عهده دارند دارای مسئولیت مهمی هستند (ر. ک لو ۲۰:۲۷ درباره کاتبان). کسانی که آموزش می‌دهند بایستی زبان خود را در اختیار و تسلط خود داشته باشند.

h- کلمه کامل چندین بار در نامه یعقوب بکار برده شده و یا برای توصیف عطیه خدا و قانون آزادی است (۱:۱۷، ۲۵)، یا در توصیف عملی است که ایمان را کامل می‌نماید (۱:۴؛ ۲:۲۲). موضوع کامل بودن طرز رفتار انسان که در پاسخ به کامل بودن راه خدا است از آیین یهود گرفته شده است (مخصوصاً از نوشته‌های قبران؛ ر. ک مقررات جمعیت: ۱:۱-۱۵؛ ۸:۴-۱۰، ۲۰-۲۳). بر طبق مت ۵:۴۸؛ ۱۹:۲۱ فرد ایماندار به وسیله اجرای قوانینی به کمال می‌رسد که عیسی آنها را به تمامیت رسانده است.

خداوندمان و پدر را ستایش می کنیمⁿ و به وسیله او انسان هایی را که به شباقت خدا آفریده شده اند لعنت می کنیم.^{۱۰} از همان دهان [هم] ستایش و [هم] لعنت خارج می شود. ای برادران من، نباید چنین باشد.^{۱۱} آیا چشمه از یک منفذ [آب] شیرین و تلخ جاری می کند؟^{۱۲} ای برادران من، آیا درخت انجیر می تواند زیتون هایی تولید کند یا [درخت] مو انجیرهایی [تولید نماید]؟^{۱۳} آب شور هم نمی تواند [آب] شیرین تولید نماید.^{۱۴} آیا در بین شما کسی حکیم و مجرب است؟ پس با رفتار نیک خود نشان دهد که اعمالش فروتنی حکمت^p را دارد.

پیدا: ۲۶-۲۷:۱
ملا: ۲۵:۱۰
روم: ۳:۱۴
افس: ۴:۲۹

مت: ۷:۱۶-۱۹
۳۳:۱۲

۱:۳
۱۸:۲
مت: ۱۱:۲۹

حکمت زمینی و حکمت عالم بالا

^۴ اما اگر در دل حسادت تلخ و [حس] مجادله دارید به خود مباحثات نکنید و بر ضد حقیقت دروغ نگوئید.^{۱۵} این حکمتی نیست که از [عالم] بالا فرود می آید بلکه زمینی، حیوانی، دیو منشی است^{۱۶} زیرا هر جا که

۱- قرن ۳:۳
افس: ۴:۳۱

۱:۱۷، ۵:۱
۱- قرن ۲:۱۴
۱- تیمو: ۴:۱۰

مهار نماید.^۳ و اگرⁱ مهارهایی به دهان های اسبان می گذاریم، تا از ما اطاعت کنند و تمام جسم آنها را به راه می بریم.^۴ همچنین کشتی ها را ببینید، هر چقدر بزرگ باشند و به وسیله بادهای سخت [آنها را] برانند به وسیله سکانی کوچک به هر طرفی که اراده کشتیبان بخواهد، هدایت می شوند، همچنان^۵ زبان هم عضو کوچکی است اما به چیزهای بزرگ مباحثات می کند. ببینید چگونه آتش کوچکی جنگل بزرگی را می سوزاند.^۶ و زبان آتشی است، جهان بی عدالتی است،^k زبان در بین اعضای ما قرار گرفته، تمامی جسم را آلوده می کند و جریان هستی را شعله ور می سازد^۱ و از جهنم شعله ور شده است.^۷ زیرا هر نوع حیوانهای وحشی و همچنین پرندگان و خزندگان و همچنین حیوانهای دریایی به وسیله نوع انسان رام می شوند و رام شده اند.^۸ اما زبان را هیچ کسی از انسان ها نمی تواند رام کند، بلایی ناآرام^m، و مملو از زهر مرگ آور.^۹ به وسیله او [زبان]

امت: ۱۶:۲۷
بنسی: ۵:۱۳ یونانی

مت: ۳۶:۳۷-۱۲
۱۹، ۱۸، ۱۱:۱۵

پیدا: ۲:۹

۱:۱۸، ۳:۱۶
مز: ۱۴:۴
روم: ۳:۱۳

i- در تعدادی از نسخه های خطی این بند با کلمه اینک آغاز می شود.
j- ر. ک. ۴:۴.

k- در تعدادی از نسخه های خطی در اینجا کلمه همچنین آمده است.

l- این عبارت مبهم است. نویسنده کلمه های بسیاری می آورد تا نشان دهد که زبان چه خسارت های فراوانی می تواند به بار آورد. تصویر جهنم در این بند از روایات یهود گرفته شده و اصطلاح جریان هستی از فرهنگ یهودیان یونانی زبان است (بعدها آن را رواقیان یونانی خواهند گرفت).

m- در تعدادی از نسخه های خطی: بلایی بدون لجام.

n- مسلماً منظور نویسنده معلمانی هستند که با زبان خود خدا را ستایش کرده، آدمیانی را که به صورت او آفریده شده اند لعنت می نمایند و بدینسان صلح و آرامش جمعیت را مختل می نمایند.

o- در تعدادی از نسخه های خطی، در ابتدای این بند کلمه همچنین افزوده شده و در تعدادی از آنها بلافاصله نوشته شده است: هیچ چشمه ای نمی تواند آب شیرین و آب شور بدهد.

p- عقاب و خطاب به معلمان با ستایش از حکمت ادامه می یابد (بندهای ۱۳-۱۷)، حکمت که منبع هر آموزشی است یعقوب علاقمند است دو نوع حکمت را در برابر یکدیگر آورده و مقایسه نماید: حکمت معلمان دروغین که حکمتی زمینی، حیوانی و دیو منشی (شیطانی) است و مربوط به دنیای دروغ و بر ضد حقیقت است، حکمت انسان کامل که به مانند سخن حقیقت از عالم بالا می آمد و ثمره های صلح به بار می آورد. (ر. ک. مت ۵:۹؛ عبر ۲:۱۱؛ ۱- پتر ۳:۱۰-۱۱)، همچنین رحمت (ر. ک. ۲:۱۳)، و مهربانی (ر. ک. ۱:۲۱؛ مت ۵:۴؛ ۱- پتر ۳:۴، ۱۶) ببار می آورد. این فهرست ثمره های حکمت واقعی، روش موعظه اخلاقی را به یاد می آورد (ر. ک. غلا ۵:۲۲-۲۵).

می کشید و حسد می ورزید، و نمی توانید بدست آورید، مشاجره می کنید و جنگ می نمایید. بدست نمی آید، زیرا شما درخواست نمی کنید.^۳ درخواست می کنید^۴ مت ۷:۷ و دریافت نمی نمایید، زیرا بد درخواست می کنید، تا برای کامجویی های خود خرج کنید،^۵ ای زناکاران^۶، آیا نمی دانید که دوستی جهان دشمنی به خدا است؟ آنکه^{۱-۲} مت ۲۴:۶؛ لو ۱۵:۲-۱۵:۷؛ روم ۷:۸ می خواهد دوست جهان باشد دشمن خدا می شود.^۵ یا اینکه فکر می کنید که نوشته [مقدس] بیهوده می گوید: [خدا] به روحی که در ما نهاده است^{۱۱} شدیداً علاقمند است^۷؟^۶ اما فیضی که می دهد بزرگتر ایوب ۲۲:۲۹؛ ۱-۱ پطرس ۵:۶ است؛ بدین سبب می گوید: خدا مخالف

حسادت و مجادله هست، آنجا بی نظمی و هر عمل بد است^{۱۷} اما حکمت [عالم] بالا بدو^{۱۷} پاک است سپس صلح آمیز، با گذشت، آشتی پذیر، پر از رحمت و ثمره های نیکو، بدون تبعیض و بی ریا است.^{۱۸} و میوه عدالت، در صلح کاشته شده، برای آنانکه [عمل] صلح انجام می دهند.

دوست جهان، دشمن خدا است

۴ از کجا جنگها و از کجا است مشاجره هایی که در بین شما است^۹؟ بنا بر این آیا از آن نیست که کامجویی های شما در اعضای شما مبارزه می کنند؟^۲ شما هوس می کنید، و ندارید؛ روم ۷:۲۳؛ ۱-۱ پطرس ۱۱:۲-۱۱:۵؛ ۲-۲ یوحنا ۱۵:۳-۱۵:۱۱

q- مشاجره ها و تفرقه های افراد جمعیت مسیحیان مستقیماً نتیجه زبانهای زبان و معلمان دروغین است. بهر صورت اشاره بر کامجویی هایی که در درون اعضا مبارزه می کنند (ر. ک. ۱:۴) و به دنیا و ابلیس فرصت می دهند آدمی را تحت تسلط بگیرند نشانه آن است که حکم و کیفر جدید مطرح شده که منبع آن روایات است.

r- در این نامه دو کلمه مختلف برای مفهوم شفاعت بکار برده شده است: یکی فعل درخواست کردن (ر. ک. ۵:۱) و دیگری نیایش کردن (۱۸-۱۳:۵) و هر دو کلمه به یک معنی در نوشته های عهد جدید بکار برده شده است؛ و شاید تفاوت کلمه نشانه آن است که این احکام از روایات مختلفی گرفته شده است.

s- در تعداد زیادی از نسخه های خطی این بند با خطاب مضاعفی آغاز می شود: ای مردان و ای زنان زناکار، از اینجا، نویسنده تعبیر شدیدی بکار برده است و بجای کلمه: ای برادران، مشاجره کنندگان را زناکار، گناهکار و آدمیانی با روح مضاعف می خواند (بندهای ۸-۹). صفت: زنان زناکار، سخنان پیامبران را بیاد می آورد که علیه قوم بی وفا به پیمان به اسرائیل پرخاش می کردند زیرا به عهد و پیمان وفادار نبود (ر. ک. هو ۱:۳) یا سخنان عیسی که به نسلی خطاب می شد که پیام او را نمی پذیرفتند (ر. ک. مت ۳۹:۱۲؛ ۴:۱۶). این کلمات ممکن است خطاب به جمعیتها و یا خطاب به افراد باشد.

t- همانطور که مضرات زبان در مقایسه و تناقض دو نوع حکمت درک می گردید. تفرقه در بین جمعیت با مقابله و اختلاف بین دوستی دنیا و محبت به خدا توضیح داده می شود. این مقابله و ارائه اختلاف در نوشته های یهود سنتی است (مثلاً در دستورها و قواعد قمران ۳:۱۸-۴:۲۶؛ ۱۱:۶-۱۰ دو روح در برابر یکدیگر آورده شده که یکی پسران روشنائی و دیگری پسران ظلمت را رهبری می کند). همین طرز ارائه و بیان به اشکال مختلف در نوشته های عهد جدید هم آمده است: (در نوشته های پولس مقابله جسم و روح: در نوشته های یوحنا تناقض و اختلاف ظلمات و روشنائی) ولی بدان معنی نیست که تنوینی باشد و بر طبق آن اساساً دنیای شر و بدی را قرار دهد. بلکه انتخاب قاطعی را بیان و پیشنهاد می کند که بین اطاعت از خدا و بردگی تحت قدرت مخالف وجود دارد. در این وضعیت دوستی به دنیا نشانه یک قلب مردد و بلاتکلیف است (ر. ک. ۱:۸؛ ۳:۶).

u- ترجمه تحت اللفظی: با حسادت، خواهان روحی است ... کسان دیگری ترجمه کرده اند: روحی که خدا در ما قرار داده است با حسادت خواهان است. ولی بطوری که از فحواى عبارت برمی آید در این عبارت خدا فاعل این حسادت است و پایه و مبنای دعوت به گرایش است که به بی ایمانان خطاب می شود (بندهای ۷-۹). برابر تفسیر بعضی از نسخه های خطی: روحی را که خدا با حسادت می جوید روح القدس نیست بلکه روحی است که در آدمیان نهاده است.

v- در تعدادی زیادی از نوشته های عهد عتیق اکثراً سخن از حسادت خدایی (یا غیرت خدایی) است ولی عین این عبارت را در هیچ جا نمی توان یافت. آیا نقل قول از کتابی ساختگی است؟ (مکاشفه موسی ۳۱:۴۲) یا تعبیری از نوشته های تفسیری یهودیان از تورات است. پید ۳:۶؛ خروج ۵:۲۰؛ یا ایوب ۱۴:۱۵؟

می گوید و قانون را محکوم می کند.^c
 باری، اگر تو قانون را محکوم می کنی.
 قانون را بجا نمی آوری^d، بلکه داور آن
 هستی.^{۱۲} قانونگذار و داور^e فقط یکی
 است، آنکه می تواند نجات دهد و تباه
 سازد. اما تو که هستی که همسایه^f را
 داوری کنی؟

هشدار! ای سوداگران!

^{۱۳} اکنون، شما می گویید: «امروز یا
 فردا^g به فلان شهر خواهیم رفت، و در آنجا
 یک سال سپری خواهیم کرد، و معامله
 خواهیم کرد و سود بدست خواهیم آورد». ^{۸:۳۶}
^{۱۴} شما که نمی دانید فردا زندگی شما
 چیست! زیرا، شما بخار [آب] هستید^h، که
 برای لحظه ای پدیدار، و سپس ناپدید
 می شود. ^{۱۵} بجای اینکه شما بگویید: «اگر
 امروز یا فردا^g به فلان شهر خواهیم رفت، و در آنجا
 یک سال سپری خواهیم کرد، و معامله
 خواهیم کرد و سود بدست خواهیم آورد». ^{۸:۳۶}
^{۱۴} شما که نمی دانید فردا زندگی شما
 چیست! زیرا، شما بخار [آب] هستید^h، که
 برای لحظه ای پدیدار، و سپس ناپدید
 می شود. ^{۱۵} بجای اینکه شما بگویید: «اگر
 امروز یا فردا^g به فلان شهر خواهیم رفت، و در آنجا
 یک سال سپری خواهیم کرد، و معامله
 خواهیم کرد و سود بدست خواهیم آورد». ^{۸:۳۶}

مغروران است، اما به فروتنان فیض
 خروج ۵:۲۰ می دهد^w. پس از خدا فرمانبرداری کنید؛
 اما ابلیس را مقاومت نمایید، و از شما فرار
 خواهد کرد. ^۸ به خدا نزدیک شوید، و او به
 شما نزدیک خواهد شد، ای گناهکاران،
 دستهای خود را پاک کنید، و ای روحهای
 مضاعف^x، دلها را منزه سازید^y. ^۹ خوار
 شوید، و ماتم بگیرید و گریه کنید^z، خنده
 شما به ماتم و شادی به غم متبدل شود. ^{۱۰} در
 برابر خداوند فروتنی کنید و او شما را
 سرافراز خواهد کرد. ^{۱۱:۵} ابوب
^{۱۱:۱۴} لوقا
^{۶:۵} پطرس

تو که هستی که همنوع را داوری می کنی؟

^{۱۱} ای برادران، از یکدیگر بدگویی
 مکنید^a. آنکه از برادری بد می گوید یا^b
 برادر خود را محکوم می کند، از قانون بد
 مز ۳:۳۴-w.

X- کلمه یونانی که در اینجا آمده و به معنی دو رویی نسبت به خدا و یا نسبت به آدمیان است قبل از نامه یعقوب در جای دیگری
 به چشم نمی خورد ولی بعداً در خطابه ها و موعظه های تشویقی مسیحیت بکار برده شده است (مثلاً هرماس، شبان، دستور ۹،
 که در آن موضوع دورویی وابسته به دو خواهش نفسانی است). ولی تصویر قلب دوگانه (تحت اللفظی: روحهای مضاعف) از
 روایات یهود گرفته شده است (مثلاً نوشته های قمران: دستورها و قواعد ۴:۱۳-۱۶) و با ریاکاری مربوط می شود که در
 انجیل متی اعلام و افشاء شده است (ر.ک ۶:۲، ۵، ۱۶، ۱۵:۷، ۲۵:۱۳-۱۵) و منظور کسی است که دلش می خواهد بین
 محبت به خدا و دوستی با دنیا سازشی برقرار کند و بدین سان در ایمان خود، در نیایش و در رفتار خود در نوسان است. این
 شخص متضاد انسان کامل است که سعی می کند سادگی خدا در وجودش منعکس گردد. (ر.ک ۱:۵-۸:۵:۱۲).

y- ر.ک ۱:۲۰-۲۷.

Z- فروتنی و سرشکستگی فرد گناهکار در اینجا موجب ندامت و بشیمانی است و منجر به تغییر وضعیتی در پایان روزگار می شود
 (ر.ک ۱:۹-۱۰:۶؛ لوقا ۲۱:۶، ۲۵)، در صورتی که خطابی و عتابی که در بند ۵ می آید به هیچگونه ندامتی منتهی نمی شود.

a- ر.ک ۱:۲۶؛ ۳:۹-۱۰.

b- در تعدادی از نسخه های خطی: آنکه از برادری بد می گوید و برادر خود را محکوم می کند.

c- ر.ک ۲:۱۰-۱۱ در اینجا که نویسنده مقام یک برادر را با قوانین یکی کرده با کلمات گیرایی مقام والای محبت را بیان
 می نماید.

d- در بعضی از نسخه های خطی نوشته شده است: و دیگر قوانین را بجا نمی آوری.

e- در تعدادی از نسخه های خطی کلمات قانونگذار و داور حذف شده است.

f- در تعدادی از نسخه های خطی: اما تو که هستی که دیگری را داوری کنی؟

g- در تعدادی از نسخه های خطی نوشته شده است: امروز و فردا به فلان شهر ...

h- در بسیاری از نسخه های خطی چنین نوشته شده است: و شما که نمی دانید فردا چه خواهد بود. زیرا زندگی شما چه خواهد
 بود؟ چنین بنظر می رسد که در متن این عبارت تغییراتی حاصل شده و معشوش گردیده است.

چون آتش خواهد خورد. شما در آخرين روزها گنجينه اندوخته ايد! ^۴ بين، اجرت لاو ۱۹:۱۳:؛ تث ۲۴:۱۴-۱۵:۵:؛ ملا ۳:۵:؛ و آن را نگهداشته ايد! ^۱ فرياد مي زند، و پيد ۴:۱۰:؛ اش ۷:۵:؛ سروصدای درو کنندگان به گوشه های خداوند ارتشها رسیده است. ^۵ شما بر روی زمین با لذت و خوشی زندگی کرده ايد: ار ۱۲:۱-۳:؛ دلهای خود را در روز کشتار ^m سیر کرده ايد! لو ۱۹:۱۶-۲۵:؛ ^۶ شما عادل ⁿ را محکوم کرده و کشته ايد، بی آنکه با شما مقاومت کند.

شکيبا باشيد، خداوند نزديک مي شود

^۷ پس، ای برادران^o، تا فرا آمدن لو ۲۱:۱۹:؛ عبر ۱۰:۳۶-۳۹:؛ خداوند ^p شکيبایی کنید. ببينيد که کشاورز

خداوند بخواهد، زنده خواهيم ماند و نيز چنين يا چنان خواهيم کرد». ^{۱۶} اما، اکنون به خودستايی های خود افتخار می کنيد! ^۱ و هر افتخاری که چنين است شر است. ^{۱۷} آنکه خوبی بداند و نکند، برایش گناه می باشد! لو ۱۲:۴۷:

وای بر شما! ای ثروتمندان

لو ۲۴:۶: ^۵ کنيد و بر بدبختی هایی که بر شما می رسد، نالان شويد. ^۲ ثروت شما فاسد و لباسهايتان بيد خورده شده اند. ^۳ طلالی شما و نقره زنگ زده، و زنگ آنها گواه ضد شما خواهد بود و جسمهای [تن های] شما را بنسی ۲۹:۱۱-۹:؛ اش ۳۰:۲۷:؛ مز ۲۱:۱۰:

i- يعقوب، سوداگرانی را که به خاطر افتخارهای بيجا، نقشه هایی برای ثروتمند شدن دارند سرزنش می کند (ر. ک عا ۸:۵:؛ بنسی ۱۱:۱۰-۱۱:۱۱:؛ مکا ۱۸:۱۱-۱۷:۱۷) و در برابر اين خودستايی ها (ر. ک ۱- يو ۲:۱۶) يعقوب آن سرفرازی را واقعی می شناسد که از ايمان ناشی می گردد (۱:۱۰-۰:۱:؛ ر. ک روم ۲:۵-۳، ۱۱:۱-۱:۱:؛ قرن ۱:۳۱:۱-۲: قرن ۱۷:۱۰-۱۸:۱۲:؛ ۱۰-۹:۱۲).

j- عبارت اين بند که به صورت کلمات قصار است پيوستگی محکمی با مطالب قبلی ندارد ولی شکی نيست که بنظر نويسنده اخطاری به گروه سوداگران می باشد.

k- اکنون يعقوب ديگر به برادرانی که دعوت به گرايش و توبه شده اند نمی پردازد (۱۰:۱:؛ ۲:۲) بلکه بر ثروتمندانی پرخاش می کند که بر فقيران فشار و ستم وارد می نمايند. بدین معنی که مزد ايشان را نپرداخته و خود را ثروتمند می کنند، بدین گونه همان فرياد پيامبران را از سر می گيرد (ر. ک اش ۸:۵-۱۰:۵:؛ ار ۵:۲۶-۳۰:۵:؛ عا ۸:۴-۸:۷:؛ ۶:۲-۷:۷:). اندوخته و گنجينه های ثروتمندان که به وسيله حشرات و زنگ زدگی نابود شده است (ر. ک مت ۱۹:۶) در داوری پايان روزگار عليه ايشان گواهی خواهد داد.

l- در تعدادی از نسخه های خطی نوشته شده: دزدیده ايد.

m- در تعداد زیادی از نسخه های خطی: ... به مانند روز کشتار سیر کرده ايد! منظور از کشتار ذبح حيوانات برای برگزاری سور و مهمانی بوده است و در اینجا تصوير فشار و ستمی است که ثروتمند بر بينوايان اعمال می نمايد (ر. ک مز ۲۳:۴۴ که در روم ۳۶:۸ نقل قول شده است).

n- منظور از عدلی که در برابر شرارت مقاومت نمی کند (ر. ک مت ۵:۳۹) گروهی از مردمان است (ر. ک مز ۳۷: حک ۲:۱۲-۲۰) و بطوری که بعضی از مفسران تصور می کنند، عیسی نيست.

o- در اين قسمت آخر نامه که پايان روزگار در افق ترسيم می شود، نويسنده مجدداً به ايمانداران خطاب می کند تا آنان را به شکيبایی (بندهای ۷-۱۱) و نيایش (بندهای ۱۳-۱۸) تشويق نمايد. شکيبایی و نيایش دو اندرز سنتی هستند که در خطابه های مسیحی منظور می شوند (ر. ک ۱- تسا ۵:۱۱-۱۱:۱۷:؛ ۱۸:۱۷:؛ مت ۴۱:۲۶). شکيبایی به مانند پايداری و مقاومت (ر. ک ار ۳-۴: کول ۱:۱۱) و استحکام قلب (ر. ک ۱- تسا ۳:۱۳) وضعيت و حالت مناسب دوران مشکلات و تجربه های ناگواری است که پيش از باز آمدن مسیح روی خواهد داد. به اين موضوع های مهم، موضوع های ديگری افزوده می شود (بندهای ۱۲: ۱۹-۲۰). نوع انشاء که ظاهراً به صورت دستور قاطعی بيان می شود در موعظه های تشويقی رایج است.

p- برخلاف عادت پولس (ر. ک ۱- قرن ۱۵:۲۳:۱- تسا ۲:۱۹:۳:؛ ۱۵:۴:؛ ۲۳:۵:؛ ۲- تسا ۲:۱۲:؛ ۸) و ساير نوشته های عهد جديد (مت ۲۴:۳، ۲۷، ۳۷، ۳۹: ۲- بطر ۱:۱۶:۳:؛ ۴:۳:؛ ۱- يو ۲:۲۸) در اینجا فرا رسيدن پايان روزگار مربوط به آمدن خدا و نه باز آمدن مسیح است (ر. ک ۲- بطر ۳:۱۲) زیرا از فحوای عبارت برمی آيد که منظور از کلمه خداوند، خدا است (بندهای ۹، ۱۱) و در اين مورد نظر يعقوب نزديک تر به محافل يهودی است. ضمناً افق و منظره پايان روزگار با کلمات و

آری شما، آری باشد

۱۲ ای برادران من، و قبل از هر چیز، سوگند^W یاد مکنید، نه به آسمان، نه به زمین، نه هر سوگند دیگری که باشد، و آری شما، آری، و نه [شما]، نه [باشد]، تا تحت محکومیت^X نیفتید.

نیایش کنید

۱۳ اگر یکی از شما رنج می‌کشد، مز ۵:۵۰ نیایش کنید^L، اگر کسی شادی دارد، اع ۱۶:۲۵ مزموهایی ترنم کند^Z. ۱۴ اگر کسی در بین شما بیمار است، قدیمی‌های کلیسا را بخواند تا برایش نیایش کنند^a و بر او به نام خداوند با روغن^b مسح نمایند:

مر ۲۶:۴-۲۹ میوه گرانبهای زمین را انتظار می‌کشد و در تث ۱۱:۱۴: شکیبایی است تا باران پیشرس و بارش آخر ار ۵:۲۴: [فصل] فرا رسد⁹. شما هم شکیبایی یول ۲۳:۲-۱۳:۳-۱۳:۳ کنید؛ دل‌هایتان را استوار سازید، زیرا آمدن فی ۵:۴ خداوند نزدیک شده است. ۱۰ ای برادران، نسبت به یکدیگر شکوه مکنید، تا محکوم نگردید؛ ببینید که داور جلو دروازه‌ها مر ۱۳:۲۹: ایستاده است ۱۰ ای برادران، از رنج و مکا ۲۰:۳ شکیبایی انبیاء^F سرمشق بگیرید، که به نام خداوند سخن گفته‌اند. ۱۱ ببینید، ما می‌گوییم خوشا بر آنانکه مقاومت کردند. دان ۱۲:۱۲ شما مقاومت ایوب^S را شنیده‌اید، و به ایوب ۲۱:۱-۲۲:۱ سرانجام رساندن خداوند^T را دیده‌اید، زیرا مز ۱۰۳:۸: خداوند^U مهربان و مشفق است^V.

اصطلاحات متعددی بیان شده است (روزهای واپسین ۵:۳؛ نجات ۱:۲۱؛ ۲:۱۴؛ ۴:۱۲؛ ۵:۲۰؛ تاج زندگی ۱:۱۲؛ ملکوت ۵:۲؛ داوری ۲:۱۲-۱۳؛ ۱۵:۱۲؛ جهنم ۳:۶). این نامه در زمانی یا در محیطی نوشته شده است که موضوع تأخیر بازگشت مسیح شکل حادی ایجاد نمی‌کرده است (به مانند مت ۵:۲۵، ۱۹ یا ۲-۳ پط ۸:۹).

q- در تعداد زیادی از نسخه‌های خطی نوشته شده است: تا بارانهای پیشرس و دیررس را دریافت نکرده است و در نسخه‌های دیگری: تا محصولهای پیشرس و دیررس را دریافت نکرده است.

r- نشان دادن سرمشق انبیاء بر طبق روش و سنتهای یهودی است که آنان را بعنوان شهید به شمار می‌آورند (ر.ک مت ۵:۱۲؛ ۲۳:۲۹-۳۱؛ اع ۷:۵۲؛ روم ۱۱:۳-۱-تسا ۲:۱۵؛ عبر ۱۱:۳۶-۳۸).

s- جای شگفتی است که یعقوب، ایوب و نه عیسی را بعنوان نمونه و سرمشق پایداری ارائه می‌کند (ر.ک عبر ۱۲:۱-۴) وانگهی تنها موردی در تمام نوشته‌های عهد جدید است که نام ایوب ذکر می‌شود. این تذکر بیشتر بدان سبب است که در آیین یهود، ایوب بعنوان نمونه شکیبایی شناخته شده و نه اینکه بخواهد صبر ایوب را با رنجها و مصائب عیسی مقایسه و تطبیق دهد.

t- این «هدف» یا سرانجام که خدا برای ایوب در نظر داشته اشاره به برکت یافتن نهایی ایوب است ایوب ۴۲:۱۰-۱۷. u- در تعدادی از نسخه‌های خطی کلمه خداوند حذف شده است.

v- خروج ۳۴:۶؛ مز ۱۰۳:۸؛ ۱۱۱:۴.

w- چنین به نظر می‌رسد که این دستور درباره سوگند یاد نکردن نظیر آنچه در مت ۵:۳۴-۳۷ آمده، از روایاتی الهام گرفته باشد که سابقه آن را در بعضی جریانهای فکری آیین یهود می‌توان یافت (بنسی ۲۳:۹-۱۱؛ فیلون، احکام دهگانه، ۸۴: نوشته داماس ۱۵:۱-۵).

x- در تعدادی از نسخه‌های خطی نوشته شده است: در ریاکاری.

y- در اینجا منظور نیایشی انفرادی و شخصی است در صورتی که در بند ۱۴، نیایش در کلیسا است.

z- ر.ک روم ۱۵:۹؛ ۱-قرن ۱۴:۱۵؛ افس ۵:۱۹-۲۰؛ کول ۳:۱۶-۱۷.

a- در تعدادی از نسخه‌های خطی: بر روی او نیایش کنند، پس از اینکه مسح روغن کرده‌اند ...

b- مینا و ریشه تدهین کردن قبل از نیایش هم پزشکی (ر.ک لو ۱۰:۳۴) و هم مذهبی است. مرقس اجرای آن را در شفا دادنهای دوازده رسول ذکر می‌کند (مر ۱۳:۶). چون این عمل، نظیر تعمید به نام خداوند انجام می‌شود. نشانه ایمان کلیسا بر خداوند برخاسته از میان مردگان است و جنبه آداب مذهبی دارد. در چهاردهمین جلسه مجمع اسقفان ترنت، وابستگی این متن به راز تدهین بیماران اظهار شده است ولی این نکته را بطور کلی، سنت پروتستانها نپذیرفته است.

مجدداً نیایش کرد، و آسمان باران داد، و زمین ثمره خود را رویانید.

گمراه شدگان را باز گردانید

^{۱۹} ای برادران من، اگر کسی در بین شما، به دور از حقیقت گم شود^f و یکی غلا^{۶:۱۰} دیگری او را باز گرداند، ^{۲۰} بدانید^g، کسی که گناهکاری را از گمراهی برمی گرداند، مز^{۱۵:۵۱} زندگی او را از مرگ نجات داده^h و گناهان مز^{۱:۳۲} افزونی را خواهد پوشاندⁱ.

^{۱۵} و نیایش ایمان، دردمند را نجات خواهد داد و خداوند او را بلند خواهد کرد^e؛ و اگر گناهی کرده باشد، بر او بخشیده خواهد شد. ^{۱۶} پس گناهان را به یکدیگر اعتراف کنید^d و برای یکدیگر نیایش نمایید تا شفا یابید. نیایش یک عادل نیروی زیادی دارد. ^{۱۷} الیاس^e، انسانی از سرشت ما بود و با خواهش نیایش کرد تا باران نیارد و سه سال و شش ماه بر روی زمین باران نیارید. ^{۱۸} و

c- فعلهای نجات دادن و بلند کردن ممکن است یا به مفهوم بهبودی بیمار باشد و یا اینکه بدون شفا یافتن در پایان روزگار نجات یابد. با این همه اگر بعضی از روایتهای معجزه های انجیل در نظر گرفته شود (ر.ک مر ۵:۳۴، ۴۱ «ایمانت تو را نجات داده است... بیا خیز!»؛ لو ۱۷:۱۹ «برخیز!... ایمانت تو را نجات داده است!») می توان تصور کرد که در اینجا منظور قدرت خداوند در شفا دادن بیمار و نجات یافتن فرد گناهکار است. ارتباط بین بیماری و گناه در طرز تفکر کتاب مقدس عمیقاً ثبت شده است و بدین گونه می توان توضیح داد چرا عهد جدید بخشایش گناهان و شفای جسم را همچون نشانه رستخیز مربوط می داند که هم اکنون در اعمال مسیح در فعالیت است.

d- در این بند سه موضوعی که در بند قبلی است یعنی بخشایش گناهان، نیایش و شفا یافتن مجدداً ذکر شده است. بنا به عقیده بعضی از مفسران ممکن است اعتراف به گناهان مربوط به تدهین باشد ولی بیشتر چنین بنظر می رسد که موضوع بخشایش گناهان یادآوری موعظه و تشویق به اعتراف گناهان را موجب شده باشد (ر.ک دان ۴:۲۰-۲۰؛ بار ۱:۱۴-۱۰:۲؛ مت ۳:۶؛ اع ۱۹:۱۸؛ قواعد و دستورهای قمران ۱:۲۳-۱:۲).

e- موضوع نیایش، با یادآوری نام الیاس به منتهی درجه اهمیت می رسد. لازم به یادآوری است که در روایات یهود نمونه های زیادی از پیامبران وجود دارد که به خاطر قوم و ساطت می نمایند (ر.ک پید ۱۸:۲۲-۲۳؛ خروج ۱۱:۳۲-۱۴، ۳۰-۳۹) یعقوب یادآوری و تأکید می کند که نیایش فرد عادل که با چنین قدرتی عمل می نماید نظیر نیایش یک انسان برای برادرانش می باشد (ر.ک حک ۷:۳؛ اع ۱۴:۱۵). شخصیت الیاس هم در روایات و سنن یهود (ر.ک لا ۳:۲۳؛ بنسی ۱:۴۸-۱۱:۱) مر ۹:۱۱-۱۳) و هم در بین مسیحیان اولیه مورد توجه و علاقه بوده است (چنانکه الیاس را که باید بیاید با یحیی تمیید دهند یکی می گرفتند) ضمناً موضوع سه سال و شش ماه روایات یهود که در نوشته های عهد عتیق وجود ندارد، در لو ۴:۲۵ ذکر شده است.

f- در یک نسخه خطی کهن نوشته شده: اگر یکی از شما از راه دور شده است. در نسخه های دیگری... از راه حقیقت دور شده است.

g- در تعدادی از نسخه های خطی: بدانند. در یک نسخه قدیمی کلمه بدانید حذف شده است.

h- در تعدادی از نسخه های خطی: زندگی را نجات خواهد داد، در نسخه های دیگری: یک زندگی را از مرگ گناهکار برخواهد کند.

i- بنظر یعقوب بازگشت برادر گمراه شده به حقیقت، همچون یک نجات واقعی از مرگ به شمار می رود (ر.ک مت ۱۸:۱۲-۱۳؛ ۱۰:۱-۱۶:۱۵). ظاهراً گناهان پوشانده شده، یعنی بخشیده شده گناهان برادری است که گمراه شده بود (ر.ک ۱- پتر ۴:۸ که بین نقل قول امث ۱۰:۱۲ را دارد) و نه اینکه گناهان برادری که او را به حقیقت بر می گرداند (ر.ک حرق ۳:۲۰-۲۱؛ ۱- تیمو ۴:۱۶)، یعقوب با بکار بردن کلمه گناهان افزون، شاید گناهان هر دو را تعیین می کند (ر.ک ۱۲:۳).

|

—

— |